



# A humanistic study of the iconography of the Qajar-era lacquerwares of the Malek National Museum based on the theory of visual attention (TVA) of Bundesen

Elaheh Panjehbashi <sup>1</sup> | Negar Najibi <sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Painting, AlZahra University, Tehran. Iran (Corresponding Author), E-mail:

[m.mansouri@umz.ac.ir](mailto:m.mansouri@umz.ac.ir)

2. PhD student, Department of the Art Research, Faculty of Alzahra University, Tehran, Iran. Email: [negar.najibi@gmail.com](mailto:negar.najibi@gmail.com)

## Article Info

### Article type:

Research Article

### Article history:

Received: 2024-08-07

Received in revised form:

2024-09-26

Accepted: 2024-10-28

Published online: 2024-12-10

### Keywords:

Cognitive Anthropology,  
Bundesen (1948), Qajar,  
Qalmandan, Iconography

## ABSTRACT

**Purpose-** Therefore, the objectives of this article are: to study the reflection of humanistic cognitive concepts between the face and body parts performing an action in complex social scenes with different levels of social interaction and individual vs. social factors depicted in the pictorial scenes of Laki Qajar's pens. In Malik National Museum and also, the analysis of the cognitive concepts of iconography aims to investigate the human personality of these figures. The questions that are raised in this article are in the order that the human motifs illustrated on the Qajar era lacquerware are drawn at what different levels of social interaction and individual factors? What humanistic concepts do the iconography motifs of these pens often have, and how is the visual attention to these characters explained in the context of social and individual scenes?

**Methodology-** This article deals with the identification and study of illustrated iconography on the Qajar period lacquered pencils with the descriptive-analytical method and collecting information in a library manner according to the approach of humanistic cognitive concepts based on Bundesen's theory of visual attention.

**Findings-** In the analysis of the human figures of Qajar Period Laki Qalamdan, one should pay attention to humanistic cognitive concepts such as their personality. In addition, the study of the iconography of the Qajar period lacquerware shows that the drawn human motifs follow almost similar aesthetic patterns and are influenced by the arrival of European artistic ideas. As in the portrait design, an incomplete imitation of realism can be seen in the designs.

**Conclusion-** The results of the research show that based on Bundesen's theory of visual attention (TVA) and the analysis of motifs using color scan patterns, human personality is considered as an important factor in attracting visual attention in the iconography of the Qajar period lacquered wallets, and it depends on the type of activity and personality of the figure. Humans are related in social and individual scenes in the form of portraits.

**Cite this article:** Panjehbashi, E. and Najibi, N. (2025). A humanistic study of the iconography of the Qajar-era lacquerwares of the Malek National Museum based on the theory of visual attention (TVA) of Bundesen (1948 AD); Danish anthropologist. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 14(2), 65-87. doi: 10.22059/ijar.2024.379877.459883



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

## مطالعه انسان‌گرایانه پیکرننگاری قلمدان‌های لاک‌ی دوره قاجار بر پایه نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن

الهه پنجه‌باشی<sup>۱</sup> | نگار نجیبی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه نقاشی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران رایانامه: [e.panjabashi@alzahra.ac.ir](mailto:e.panjabashi@alzahra.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، رایانامه: [negar.najibi@gmail.com](mailto:negar.najibi@gmail.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

**هدف** - از این‌رو، اهداف این نوشتار عبارت‌اند از: مطالعه بازتاب مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه بین صورت و اعضای بدن در حال انجام یک عمل در صحنه‌های اجتماعی پیچیده با سطوح مختلف تعامل اجتماعی و عوامل فردی در مقابل اجتماعی به تصویر کشیده شده در صحنه‌های پیکرننگاری قلمدان‌های لاک‌ی قاجار در موزه ملی ملک و همچنین، تحلیل مفاهیم شناختی پیکرننگاری در پی بررسی شخصیت انسانی این پیکره‌هاست. پرسش‌های که در این مقاله مطرح می‌شود، به‌این‌ترتیب است که نقوش انسانی مصور شده بر قلمدان‌های لاک‌ی دوره قاجار در چه سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی و عوامل فردی ترسیم شده‌اند؟ نقوش پیکرننگاری این قلمدان‌ها غالباً دارای چه مفاهیم انسان‌گرایانه هستند و توجه بصری به این شخصیت‌ها در زمینه صحنه‌های اجتماعی و فردی به چه صورت تبیین می‌شود؟

**روش شناسی** - این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای طبق رویکرد مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه بر پایه نظریه توجه بصری بوندسن به شناسایی و مطالعه پیکرننگاری مصور شده بر روی قلمدان‌های لاک‌ی دوره قاجار می‌پردازد.

**یافته‌ها** - در تحلیل پیکره‌های انسانی قلمدان لاک‌ی دوره قاجار باید به مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه چون شخصیت آن‌ها توجه کرد. علاوه بر این، بررسی پیکرننگاری قلمدان لاک‌ی دوره قاجار نشان می‌دهد که نقوش ترسیم شده انسانی از الگوهای زیبایی‌شناسی تقریباً مشابه و متأثر از ورود تفکرات هنری اروپایی تبعیت کرده است. چنانچه در طراحی پیکرننگاری تقلیدی ناقص از واقع‌گرایی در طراحی‌ها دیده می‌شود.

**نتیجه‌گیری** - نتایج نشان می‌دهد که بر اساس نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن و تحلیل پیکرننگاری قلمدان‌های لاک‌ی، پیکرننگاری شخصیت انسان در دو سطح کُنش فردی و اجتماعی در نقاشی منجر به تأثیرگذاری در جذب رفتار مخاطب در جلب‌توجه بصری محسوب می‌شود و بازنمایی کُنش‌های فردی در مقایسه با صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی، منجر به جهت‌دهی بیشتر کاوش‌های بصری در پیکرننگاری قلمدان‌های فوق شد. همچنین، توجه بصری در صحنه‌های اجتماعی پیچیده‌ای؛ چون صحنه نبرد بر فعالیت پیکره‌های انسانی و نوع شخصیت آن‌ها متمرکز می‌شود، درحالی‌که در چهره‌نگاری، توجه بصری به چهره ترسیم شده معطوف می‌شود.

### کلیدواژه‌ها:

انسان‌شناسی شناختی، بوندسن  
(۱۹۴۸ م)، هنر قاجار، قلمدان،  
پیکرننگاری

**استناد:** پنجه‌باشی، الهه، و نجیبی، نگار. (۱۴۰۳). مطالعه انسان‌گرایانه پیکرننگاری قلمدان لاک‌ی دوره قاجار موزه ملی ملک بر پایه نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن  
doi: 10.22059/ijar.2024.379877.459883 ۱۷-۶۵ ۱۴ (۲)، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۹۴۸ (م): انسان‌شناس دانمارکی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۴ (۲)، ۱۷-۶۵



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

## مقدمه

انسان‌شناسی شناختی را می‌توان علم بررسی شیوه‌هایی دانست که انسان از طریق آن‌ها به درک جهان اطراف خود دست می‌یابد و درباره رویدادها و اشیای موجود در جهان می‌اندیشد. این شاخه از انسان‌شناسی تا حد زیادی در میان علوم‌شناختی دیگر رشد پیدا کرده است. به‌طورکلی، زیبایی بصری یک شی، توجه بصری را نسبت به آن شی افزایش می‌دهد و متعاقباً بر اساس دیدگاه انسان‌شناسی شناختی، استدلال می‌شود که رابطه بین زیبایی بصری و توجه بصری یک سازگاری تکاملی در انتخاب طبیعی در هنر محسوب می‌شود. به‌این‌ترتیب، انتظار می‌رود که رابطه خاص معنایی بین هنر و انسان‌شناسی شناختی پدیدار گردد. مطالعه ردیابی چشم که در آن رابطه بین توجه و الگوهای نگاه را در تصاویر محرک‌های بیولوژیکی مانند چهره انسانی و غیرزیستی؛ مانند نقاشی مقایسه می‌کند، نشان می‌دهد که رابطه قوی بین پیکرنگاری و توجه بصری وجود دارد. یکی از هنرهایی که در آن ترسیم پیکرنگاری متداول بوده، هنر قلمدان سازی دوره قاجار است که می‌تواند از دیدگاه انسان‌گرایانه موردتوجه قرار گیرد. یکی از نظریات موردتوجه در بحث انسان‌شناسی شناختی، نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن است که به نقش شخصیت انسان به‌عنوان یک عامل مهم در جلب‌توجه در نقاشی اشاره دارد.

از این‌رو، اهداف این مطالعه بررسی شخصیت‌های پیکرنگاری از تصاویر رویه در قلمدان‌های لاکی متفاوت است. همچنین، جستجوی تعامل اجتماعی در بین عوامل به تصویر کشیده شده در صحنه‌های (فردی در مقابل اجتماعی) مرتبط و شناسایی مفاهیم انسان‌گرایانه اعمال انسانی در اشکال مختلفی چون در حال انجام یک عمل (صورت و اعضای بدن در حال عمل) در صحنه‌های اجتماعی پیچیده است. در نهایت، مطالعه توجه بصری به این شخصیت‌ها در زمینه صحنه‌های اجتماعی و فردی است.

سؤالاتی که در این مقاله مطرح شده است این است که چه شخصیت‌هایی از نقوش انسانی در پیکرنگاری رویه قلمدان‌های لاکی وجود دارد؟ نقوش انسانی نقش بسته بر قلمدان‌های لاکی دوره قاجار در چه زمینه‌هایی ترسیم شده‌اند؟ اعمال انسانی پیکرنگاری‌ها دارای چه مفاهیم انسان‌گرایانه هستند؟ همچنین، باتوجه‌به مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه، توجه بصری به این شخصیت‌ها در زمینه صحنه‌های اجتماعی و فردی چگونه است؟

از آنجایی که در تاریخ هنر ایران، دوره قاجار یکی از سرآمدترین دوره‌های تطور و تکامل پیکرنگاری محسوب می‌شود و نگرش به انسان‌گرایی در این دوره تحت‌تأثیر تفکرات انسان‌گرایانه غربی دچار تغییرات شدیدی می‌شود، این تحولات در آثار هنری نیز جلوه‌گر می‌شود. از این‌روی، نمونه‌های تجلی‌یافته این تحولات فکری جدید در پیکرنگاری قلمدان لاکی این دوره مشهود است که نشان‌دهنده ضرورت تحقیق و مطالعه مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه پیکرنگاری قلمدان لاکی این دوره است. باید اشاره کرد که پژوهش‌ها و تحقیقات صورت‌گرفته در مورد اثبات نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن غالباً توسط معادلات و محاسبات ریاضی انجام شده است. از آنجایی که این نوشتار قصد اثبات و شرح گام‌به‌گام نظریه توجه بصری را ندارد و این مقاله نوعی کاربرد عملی این نظریه بر روی هنر بصری پیکرنگاری است، لذا از تحلیل‌های کمی و عددی اجتناب گردیده است و بر روی تحلیل‌های کیفی متمرکز شده است.

## پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، تاکنون منابع اندکی در خصوص مطالعه طرح و تزئین قلمدان‌های دوره قاجار نگاشته شده است و اکثر این پژوهش‌ها تنها به معرفی قلمدان‌های لاکی روغنی این دوره پرداخته‌اند و شرحی از سیر تاریخی برای شکل‌گیری هنر قلمدان سازی و تحولات آن را بررسی نموده‌اند و مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه نقش تمثال‌های نقاشی شده به‌صورت پیکرنگاری بر

رویه قلمدان‌های لاکی مورد بحث نبوده و هیچ منبعی به مطالعه و تحلیل نظریه توجه بصری در این آثار از دوره قاجار و ویژگی‌های بصری پیکرنگاری نپرداخته است که همین موضوع نشان‌دهنده جنبه نوآوری پژوهش فوق است. در ادامه، پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته معرفی شده است.

یکی از کتاب‌هایی که به موضوع هنر قلمدان پرداخته، کتاب «سیری در قلمدان‌های لاکی روغنی» توسط یآوری و ابتهاج همدانی (۱۳۹۰) با تأکید بر قلمدان‌های دوره قاجار و با موضوع هنر، صنایع دستی، هنر خوشنویسی، هنر روغنی‌سازی یا نقاشی به چاپ رسیده است. اما، از منابعی که تصاویر قلمدان‌ها را منتشر کرده است، می‌توان به دو مجلد نفیس مربوط به مجموعه ناصر خلیلی (۱۳۸۶) با عنوان «کارهای لاکی» اشاره کرد که در کتاب حاضر بیش از پانصد اثر لاکی اسلامی معرفی شده و به چاپ رسیده است. در این خصوص از احسانی نیز، مجموعه دوجلدی با عنوان «جلدها و قلمدان‌های ایرانی» (۱۳۶۹) و «جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری: هنرمندان ایرانی در سه قرن اخیر» (۱۳۸۲) که در این دو جلد، ضمن بیان تاریخچه هنر لاک‌سازی و هنر سوخت، نقاشی و تصاویر حک شده بر روی قلمدان‌ها که آثاری از برخی نقاشان طی سه قرن اخیر به چاپ رسیده، درباره هر تصویر و نگارگر آن توضیحاتی چاپ شده است. یکی دیگر از کتاب‌ها، مربوط به کتابی تحت عنوان «قلمدان و سایر صنایع روغنی ایران»، متعلق به کریم‌زاده تبریزی (۱۳۷۹) که به موضوع قلمدان‌ها و تاریخ مینیاتور ایرانی پرداخته است. علاوه بر این، از ادیب برومند (۱۳۶۶) با عنوان «هنر قلمدان مشتمل بر: پیشگفتار انواع قلمدان شناسائی نقاشان قلمدان» درباره قلمدان‌ها، مینیاتور و نقاشی‌های ایرانی تألیف شده است.

در میان مستندات از نوع مقاله، محمودی (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «تصویرگری آثار نقاشی لاکی (پایه‌ماشه) در دوره قاجار با رویکرد ایکونوگرافی» نگاشته که به بررسی شمایل‌نگاری دوره قاجار بر آثار نقاشی زیرلاکی از منظر ایکونوگرافی پرداخته است. از مقالات خارجی نیز می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «حفاظت و تحلیل نقاشی لاکی قاجار از دانشکده هنرهای کاربردی موزه دانشگاه حلوان مصر»، توسط امنیه<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۲۲) اشاره کرد که در این مقاله، نقاشی لاکی قاجار که بر روی تکیه‌گاه مقوای موزه هنرهای کاربردی دانشگاه حلوان<sup>۲</sup> کار شده است، مورد بررسی و حفاظت قرار گرفته است.

همچنین، از منابعی چون پایان‌نامه‌ها نیز، می‌توان به پایان‌نامه علاتوکی روزبهانی (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی تصویرسازی به روش زیرلاکی در اصفهان دوران قاجار»، اشاره کرد که با مقایسه تطبیقی آثار لاکی قاجاری با یکدیگر و با دیگر آثار هنرمندان خارجی، به مسئله کپی‌برداری نقاشان لاکی داخلی از یکدیگر و تأثیرپذیری آنها از نقاشی غربی در ساختار و حتی محتوا و نیز تأثیرگذاری نقاشان لاکی ایرانی بر آثار لاکی دیگر کشورها می‌پردازد.

پایان‌نامه رسولی (۱۳۸۷) نیز با عنوان «برسی چهره (رخ) در تک‌نگاره‌های دوران صفوی تا اوایل قاجار (۹۹۶ هجری قمری تا ۱۲۵۰ هجری قمری)»، به تک‌چهره‌های نقش بسته بر روی قلمدان‌ها و این که متأثر از شیوه اروپایی بوده، می‌پردازد.

در انتها، با بررسی منابع و مستندات کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های مربوط به این زمینه می‌توان دریافت که در این حیطه پژوهشی، هنوز مطالعات قابل‌توجهی صورت نگرفته است و علی‌رغم اهمیت موضوع مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه نقش تمثال‌های نقاشی شده به‌صورت پیکرنگاری بر رویه قلمدان‌های لاکی، مورد غفلت واقع شده است؛ بنابراین، در این نوشتار سعی شده که با بهره‌گیری از نظریه توجه بصری بوندسن و استفاده از نمونه‌های پیکرنگاری موجود بر رویه قلمدان‌های لاکی دوره قاجار به بررسی

<sup>۱</sup> Omnie

<sup>۲</sup> Applied Arts Museum of Helwan University

علمی و تحلیل مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه در آن‌ها پرداخته شود. در نهایت، تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های دیگر، استفاده از نظریه علمی انسان‌شناسی شناختی در تحلیل پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی است.

## روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. به این صورت که تصاویر قلمدان‌های لاکی از طریق مراجعه به موزه و دسترسی به فایل‌های مجموعه تصاویر هنر قلمدان لاکی دوره قاجار موجود در موزه ملی ملک توسط نگارندگان گردآوری شده است. ماهیت اطلاعات حاصل شده، به صورت تجزیه و تحلیل کیفی بوده و پیکرنگاری انسانی ترسیم شده بر روی این قلمدان‌ها دسته‌بندی شده است. جامعه آماری در این نوشتار، پانزده نمونه قلمدان لاکی دوره قاجار از موزه ملی ملک گردآوری شده که در مجموع بیست و شش تصویر از نقوش پیکرنگاری ترسیم شده بر روی این قلمدان‌ها استخراج شده است. معیار انتخاب و استخراج تصاویر در این قلمدان‌ها، انتساب آن‌ها به دو سطح تعامل اجتماعی کنش‌های فردی و اجتماعی بوده است. در نهایت، تجزیه و تحلیل توجه بصری با استفاده از الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری در هر دسته از سطوح مختلف تعامل فردی-اجتماعی مطالعه شد.

## مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه بر پایه نظریه توجه بصری در هنر

در سال ۱۹۹۰ م. نظریه توجه بصری<sup>۱</sup> (TVA) اولین بار توسط کلاوس بوندسن<sup>۲</sup> (۱۹۴۸ م.)؛ انسان‌شناس دانمارکی و استاد روان‌شناسی شناختی ارائه شد. اولین مطالعات در این زمینه، نظریه‌ای محاسباتی و ریاضی‌وار رسمی بود که اثرات توجه بصری در ذهن و رفتار گزارش شده در ادبیات روان‌شناختی انسان‌گرایانه را توضیح می‌داد. باین حال، نظریه توجه بصری بوندسن، اولین نظریه توجه مبتنی بر ذات و اساس رفتاری انسانی است. بوندسن (۱۹۹۰) نشان داد که چگونه TVA می‌تواند بسیاری از یافته‌های روان‌شناختی (زمان واکنش و نرخ خطا) را در زمینه توجه بصری توضیح دهد. بوندسن (۱۹۹۰) نشان داد که چگونه نظریه توجه بصری می‌تواند بسیاری از یافته‌های روان‌شناختی را در زمینه توجه بصری توضیح دهد (بوندسن، ۱۹۹۰: ۵۲۳). از دیدگاه بوندسن، «نظریه توجه بصری شرحی مستقیم - واقع‌گرایانه از احساس بصری ترسیم شده است» (بوندسن، ۱۹۷۷: ۱۱۹۱). همچنین، «این نظریه برای یافته‌های موجود از طیف گسترده‌ای از پارادایم‌های تجربی اعمال می‌شود و در واقع تئوری توجه بصری تلاشی برای ابداع مکانیزمی برای انتخاب توجه است» (بوندسن، ۱۹۹۵: ۷۵). این نظریه بعداً توسط او و همکارانش گسترش یافت که بسیاری از اثرات سلول‌های مشاهده‌شده توجه در سیستم بینایی را نشان می‌داد (بوندسن و همکارانش، ۲۰۱۵: ۲۱۱).

از این روی، تحلیل و کاوش‌های هنری فرایند پیچیده‌ای است که از یک طرف، مشروط به عواملی در سطوح مختلف است (کویبروگا<sup>۳</sup> و پدریورا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱: ۹۸) و از طرفی دیگر، دربرگیرنده نه تنها اصول اولیه بصری است، بلکه عوامل انسان‌شناختی پیچیده مرتبط با ذهن را شامل می‌شود. در این میان، وجود پیکرنگاری در نقاشی نقش مهمی در ایجاد این عوامل شناختی انسانی دارد، چرا که برای تحلیل پیکرنگاری نه تنها باید به عوامل بصری توجه کرد، بلکه مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه نیز را باید مدنظر قرارداد.

<sup>1</sup> Theory of Visual Attention

<sup>2</sup> Claus Bundesen

<sup>3</sup> Quiroga

<sup>4</sup> Pedreira

به این ترتیب، در تحلیل پیکره‌های انسانی باید به جنبه‌های مختلفی چون شخصیت آن‌ها توجه کرد. مطالعات نشان داده‌اند که هدف از کاوش بصری، شناسایی پیشینه فرهنگی پیکرنگاری (دآنگلوس و پلز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۸۰۵) و شخصیت آن هستند. اما فراتر از عوامل مختلفی که مطرح شد، در مورد نقش شخصیت انسان به عنوان یک عامل مهم در جلب توجه در نقاشی هنری اتفاق نظر وجود دارد (ویلانی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۵: ۶) که شامل نوع مضامین به کاررفته در نقاشی می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که وقتی انسانی در نقاشی به تصویر کشیده می‌شود، رفتار خیره‌کننده بیشتر بر پیکر انسان متمرکز می‌شود (ماسارو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶). به این ترتیب، بر طبق یافته‌های محققین، بدن انسان در سنین مختلف قدرت بالایی برای جهت‌گیری و جلب توجه بصری دارد و نقش اساسی در تجربه زیبایی‌شناختی دارد (ساوازی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۸) و این امر امکان‌پذیر است، زیرا صورت‌ها و اعضای بدن محرک‌هایی هستند که اهمیت بیولوژیکی و اجتماعی زیادی دارند و قادرند که به سرعت و کارآمد مورد پردازش قرار گیرند و سیستم توجه را درگیر خود کنند (رو<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۳۱؛ کروزت<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۶). چندین مطالعه رفتاری نشان داده است که چهره‌ها و اعضای بدن ممکن است مزیت توجهی نسبت به سایر اشیاء داشته باشند (داوونینگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱: ۲۴۷۰).

به علاوه، در پاسخ به این پرسش که چرا مردم به طور غریزی به یک انسان نگاه می‌کنند، تاکنون رویکردهای متفاوتی برای پاسخ به این سؤال به کار گرفته شده است. در زمینه زندگی واقعی، توانایی استخراج اطلاعات مرتبط اجتماعی از چهره‌ها یک نیاز اساسی برای تعامل اجتماعی متقابل عادی و ارتباطات بین فردی است. اینکه چرا در تصاویر ابتدا به پیکره‌های انسانی توجه می‌شود، از این حقیقت نشئت می‌گیرد که به گفته محققینی چون لنگتون و بروس<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)، نه تنها چهره، بلکه جهت‌گیری سر، وضعیت بدن و سایر ژست‌های انسانی نیز بر جهت توجه اجتماعی تأثیر می‌گذارد و نظاره‌کنندگان همه این نشانه‌ها را به طور خودکار پردازش می‌کنند (لنگتون و بروس، ۲۰۰۰: ۷۵۳). به همین علت است که در نقاشی‌ها، پیکره‌های انسانی در مرکزیت تصویر قرار دارند.

### شخصیت پیکرنگاری قلمدان‌های لاک‌ی دوره قاجار

در «عصر زنده، استفاده از تصاویر انسانی با تأکید بر شاخصه‌های اروپایی نظیر سایه‌پردازی و پیکرنگاری در هنرهای مانند نقاشی، کارهای لاک‌ی و نقاشی پشت شیشه، مرسوم شد و به دوره قاجار راه یافت» (بیر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴: ۴۴). به این ترتیب، این نقوش پیرو و ادامه‌دهنده نقوش دوره صفوی و زند بودند که به مرور در دوره قاجار تحت تأثیر گسترش روابط ایران با اروپا تغییراتی در آن پدیدار شد. همچنین، در دوره قاجار که هنرمندان به شدت متأثر از ورود محصولات هنری اروپا و سفر به کشورهای غربی بودند، منجر به رواج توجهات بصری در پیکرنگاری شد و «شکل انسان در نقاشی قاجار طبق نگرش انسان‌گرایی (اومانیزم<sup>۱۰</sup>) غربی ترسیم شد» (ابراهیمی ناغانی، ۱۳۸۸: ۲۳). به این ترتیب، بعد دیگری از زیبایی‌شناسی الهام گرفته از واقع‌گرایی غربی در این دوره پدیدار می‌شود.

<sup>1</sup> DeAngelus and Pelz

<sup>2</sup> Villani

<sup>3</sup> Massaro

<sup>4</sup> Savazzi

<sup>5</sup> Ro

<sup>6</sup> Crouzet

<sup>7</sup> Downing

<sup>8</sup> Langton and Bruce

<sup>9</sup> Bear

<sup>10</sup> Humanism

با این وجود، باتوجه به پیشینه اعتقادی-فرهنگی ایرانیان، این توجه بصری نه تنها دربردارنده مضمون و باورهای اعتقادی مسیحیت است، بلکه باورهای ایرانی-اسلامی و شخصیت‌هایی چون دراویش و بزرگان دینی نیز را دربر می‌گیرد. در مطالعه شخصیت پیکره انسانی نقش بسته بر قلمدان‌های لاکی موزه ملک می‌توان این نقوش را در چندین زمینه بررسی کرد. باید اشاره کرد که پیکرنگاری در هر یک از این دسته‌ها دارای شخصیتی مشخص است که با طبقه‌بندی کردن این قلمدان‌ها می‌توان به شخصیت‌های فرهنگی مورد توجه هنرمندان و اشرافیانی که به سفارش آن‌ها این قلمدان‌ها ساخته می‌شدند، پی برد. در این دوره به این علت که «حاکمان قاجار به شکار به عنوان ابزاری برای کسب مشروعیت بر پایه اصل رزم می‌نگریستند و درصدد بودند که با این عمل توانایی نظامی و شایستگی خود برای سلطنت را به اثبات برسانند» (آدینه‌وند و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۹)، بیش‌ازپیش به ترسیم این صحنه توسط هنرمندان پرداخته شد.

### معرفی قلمدان‌های لاکی موزه ملی ملک دوره قاجار

۱. قلمدان‌های مصور با نقش صحنه‌هایی از طبیعت (منظره‌پرداز)

شماره ۱: قلمدان لاکی با نقش زندگی روستایی

در میان قلمدان‌های لاکی متعلق به دوره قاجار، قلمدان‌هایی موجود هستند که روی تمامی قسمت‌های آن صرفاً تصاویری از طبیعت و منظره کار شده است. (شکل ۱)



شکل ۱. قلمدان لاکی با نقش زندگی روستایی، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)  
ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۲ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۲۷، موزه ملی ملک، تهران.

شماره ۲: قلمدان لاکی با نقش گاوچران

در این قلمدان، نقش انسانی به صورت گاوچرانی بر روی اسب به تصویر کشیده شده است و در دو طرف قلمدان نیز، نقش مدالیون در ترکیبی از گل و بوته دیده می‌شود. (شکل ۲)



شکل ۲. قلمدان لاکی با نقش گاوچران، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۱ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۳ سانتیمتر و ۳ میلیمتر) ضخامت (۳ سانتیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۴۲، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۳: قلمدان لاکی با نقش زندگی روستایی

قلمدان لاکی با نقش زندگی روستایی دو سمت قاب بر روی قلمدان دارای زمینه مشکی با نقش گل و پرند. رنگ زمینه مشکی و نخودی است. رقم "عباس شیرازی ۱۲۹۸". (شکل ۳)



شکل ۳. قلمدان لاکی با نقش زندگی روستایی، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۳ سانتیمتر و ۲ میلیمتر) ضخامت (۳ سانتیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۳۴، موزه ملی ملک، تهران.

جدول زیر به معرفی شخصیت‌های انسانی مختلف بر روی قلمدان‌های مصور با نقش زندگی روستایی (منظره‌پرداز) بر اساس مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه اشاره دارد. (جدول ۱)

جدول ۱. توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری قلمدان‌ها با نقش زندگی روستایی دوره قاجار موزه ملی ملک. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین<br>نقوش<br>قلمدان‌ها                                    | پیکرنگاری                                                                            | آنالیز خطی                                                                          | شخصیت<br>پیکرنگاری | توصیف مفاهیم شناختی<br>پیکرنگاری                                                                                                                                 |
|----------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|--------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های<br>مصور با نقش<br>زندگی<br>روستایی<br>(منظره‌پرداز) |  |  | گاوچران            | پیکره در مرکز تصویر و فضای پیرامونی این پیکره بیانگر محیط زندگی روستایی است وجود حیوانات اهلی در اطراف او، این مفهوم را می‌رساند که شخصیت این پیکره گاوچران است. |
|                                                                |  |  | گاوچران            | پیکره در مرکز تصویر قرار دارد. اطراف این پیکره که بیشتر فضای مدالیون را پر کرده است، چند گاو بزرگ ترسیم شده است که بیانگر زندگی روستایی است.                     |
|                                                                |  |  | کشاورز             | پیکره‌های انسانی به‌صورت هماهنگ و متوازن در سطح تصویر پراکنده شده‌اند. ابعاد پیکره‌ها با حیوانات همخوانی دارند.                                                  |



## ۲. قلمدان‌های مصور به نقش بزرگان ادب و عرفان

شماره ۱: قلمدان لاک‌ی با نقش دراویش

قلمدان لاک‌ی با نقش پنج مدالیون دراویش که بر روی آن و نقوش ختایی بداهه طلایی بر زمینه مشکی دیده می‌شود. (شکل ۴)



شکل ۴. قلمدان لاک‌ی با نقش دراویش، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۳ سانتیمتر و ۸ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر و ۷ میلیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۰۶، موزه ملی ملک، تهران.

شماره ۲. قلمدان لاک‌ی با نقش یک درویش

قلمدان لاک‌ی با نقش درویش که بر روی آن و نقوش گل فندق‌ی بر جوانب اثر دیده می‌شود. (شکل ۵)



شکل ۵. قلمدان لاک‌ی با نقش درویش، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۵ میلیمتر) ضخامت (۳ سانتیمتر و ۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۰۳۶، موزه ملی ملک، تهران.

شماره ۳. قلمدان لاک‌ی عرفانی

قلمدان کشویی کله مدوری داری رقم "حیدرعلی" فاقد تاریخ و مهر مقوا کار تزیینات به‌صورت عمودی بر روی آن. (شکل ۶)



شکل ۶. قلمدان عرفانی، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۵ میلیمتر) ضخامت (۳ سانتیمتر و ۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۰۶۱، موزه ملی ملک، تهران.

جدول زیر به معرفی شخصیت‌های انسانی مختلف بر روی قلمدان‌های مصور با نقوش دراویش و بزرگان ادب و عرفان بر اساس مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه اشاره دارد. (جدول ۲)

جدول ۲. توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری قلمدان‌ها با نقوش دراویش و بزرگان ادب و عرفان دوره قاجار موزه ملی ملک (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                            | پیکرنگاری                                                                           | آنالیز خطی                                                                          | شخصیت پیکرنگاری | توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری                                                                                                                                      |
|--------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان لاک‌ی با نقوش دراویش و بزرگان ادب و عرفان |    |    | دراویش          | پیکره در حالت اغراق‌آمیز و به هم متصل در کل فضای مدالیون قرار گرفته است. شخصیت‌های دراویش به شیوه مضحک‌اند به صورت مبهم و استفاده از تکنیک سیاه‌قلم ترسیم شده است. |
|                                                  |   |   | دراویش          | پیکره در شخصیت دراویش در یک سمت مدالیون و یکی از مریدان در قسمت دیگر ترسیم شده است.                                                                                |
|                                                  |  |  | درویش           | پیکره به صورت چهره در مرکز تصویر قرار گرفته است.                                                                                                                   |
|                                                  |  |  | شیخ صنعان       | پیکره به صورت چهره در بخش بیشتر فضای مدالیون قرار گرفته و در فضای زمینه طبیعت ترسیم شده است.                                                                       |
|                                                  |  |  | درویش           | پیکره به صورت چهره در بخش بیشتر فضای مدالیون قرار گرفته و در فضای زمینه طبیعت ترسیم شده است.                                                                       |

### ۳. قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی

#### شماره ۱. قلمدان لاک‌ی با نقش قدیس در مدالیون وسط

قلمدان لاک‌ی با نقش قدیس در مدالیون وسط. در مدالیون دو طرف نقش اصلی بر روی قلمدان داستان شیخ صنعان و دختر ترسا را روایت می‌کند. (شکل ۷)



شکل ۷. قلمدان لاکی با نقش قدیس در مدالیون وسط، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۲ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۷، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۲. قلمدان با نقش باکره مقدس

قلمدان لاکی با نقش قدیسین. رنگ زمینه نخودی است. این قلمدان دارای رقم "آ عباس، ۱۲۹۱" است. (شکل ۸)



شکل ۸. قلمدان لاکی با نقش باکره مقدس، (هنرمند:؟)، قاجار، ۱۲۹۱ ه. ق. (قرن ۱۳ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۲ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۳۲، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۳. قلمدان لاکی با نقش قدیسین

قلمدان لاکی با نقش قدیسین. نقوش به شکل عمودی بر رویه اثر ترسیم شده‌اند و کناره‌های اثر نقوش منظره پردازی به تصویر کشیده شده است. (شکل ۹)



شکل ۹. قلمدان لاکی با نقش قدیسین، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۳ سانتیمتر و ۳ میلیمتر) عرض (۳ سانتیمتر و ۴ میلیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۲۸، موزه ملی ملک، تهران.

جدول زیر به معرفی شخصیت‌های انسانی مختلف بر روی قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی بر اساس مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه اشاره دارد. (جدول ۳)

جدول ۳. توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری قلمدان‌ها با نقوش و مضامین غیرایرانی دوره قاجار موزه ملی ملک. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                      | پیکرنگاری                                                                           | آنالیز خطی                                                                          | شخصیت پیکرنگاری                  | توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری                                                                                                                             |
|--------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی |    |    | قدیس                             | پیکره در مرکز تصویر قرار دارد. اطراف این پیکره که بیشتر فضای مدالیون را پر کرده است، طبیعت‌پردازی از معماری کلیسا و درختان دیده می‌شود.                   |
|                                            |    |    | زن و مرد                         | پیکره‌های انسانی به صورت هماهنگ و متوازن در سطح تصویر پراکنده شده‌اند. اطراف پیکره‌ها در زمینه تصویر، طبیعت‌پردازی از معماری مسجد و درختان دیده می‌شود.   |
|                                            |   |   | شیخ صنعتان و دختر ترسا           | پیکره‌های انسانی به صورت هماهنگ و متوازن در سطح تصویر پراکنده شده‌اند. اطراف پیکره‌ها در زمینه تصویر، طبیعت‌پردازی از معماری خانقاه و درختان دیده می‌شود. |
|                                            |  |  | حضرت مسیح، مریم مقدس، شیخ صنعتان | پیکره‌های انسانی در یک راستا در امتداد یکدیگر قرار گرفتند. اطراف پیکره‌ها در زمینه تصویر، طبیعت‌پردازی از درختان دیده می‌شود.                             |
|                                            |  |  | حضرت مسیح و مریم                 | پیکره‌های انسانی در مرکز تصویر در امتداد یکدیگر قرار گرفتند. اطراف پیکره‌ها در زمینه تصویر، طبیعت‌پردازی از درختان و معبدی دیده می‌شود.                   |

#### ۴. قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی

##### شماره ۱. قلمدان لاک‌ی با نقش چهره‌پردازی

قلمدان لاک‌ی با نقش چهره‌پردازی که نقوش انسانی را در کنار منظره پردازی نشان می‌دهد (شکل ۱۰)





شکل ۱۰. قلمدان لاک‌ی با نقش چهره‌پردازی، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۲ سانتیمتر و ۵ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۳۱، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۲. قلمدان لاک‌ی با نقش شکارگاهی

قلمدان لاک‌ی با نقش شکارگاهی بر روی آن و زمینه به رنگ نخودی روشن. رقم "کمترین حاج مجید السلطان، ۱۳۳۴". (شکل ۱۱)



شکل ۱۱. قلمدان لاک‌ی با نقش شکارگاهی، (هنرمند:؟)، قاجار، ۱۳۳۴ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۲ سانتیمتر و ۵ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۳۷، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۳. قلمدان لاک‌ی با نقش رزمی

قلمدان کشویی کله مدوری فاقد رقم و مهر مقوا کار موضوع اثر شامل صحنه‌ای از جنگ فرانسه، سوار نظام بر روی اسبان چابک و سربازان خسته، مجروح یا کشته شده در طرفی دیگر را نشان می‌دهد. (شکل ۱۲)



شکل ۱۲. قلمدان رزمی، قاجار، (هنرمند:؟)، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۲۲ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۴ سانتیمتر) ارتفاع (۳ میلیمتر) ضخامت (۲ سانتیمتر و ۵ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۵۷، موزه ملی ملک، تهران.

جدول زیر به معرفی شخصیت‌های انسانی مختلف بر روی قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی بر اساس مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه اشاره دارد. (جدول ۴)

جدول ۴. توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری قلمدان‌ها با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی دوره قاجار موزه ملی ملک. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                         | پیکرنگاری                                                                           | آنالیز خطی                                                                          | شخصیت پیکرنگاری      | توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری                                              |
|-----------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|----------------------|----------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی |    |    | چهره شاهزاده جوان    | پیکره در کل فضای مدالیون قرار دارد.                                        |
|                                               |    |    | چهره شاهدخت جوان     | پیکره در کل فضای مدالیون قرار دارد.                                        |
|                                               |    |    | شکارچیان             | پیکره‌های انسانی در کل فضای صحنه شکار پراکنده شده‌اند.                     |
|                                               |  |  | شکارچی سوار بر اسب   | پیکره شکارچی سوار بر اسب کل فضای شکارگاه را پر کرده است.                   |
|                                               |  |  | شکارچیان سوار بر اسب | پیکره‌های انسانی در شخصیت اسب‌سواران در کل فضای صحنه شکار پراکنده شده‌اند. |
|                                               |  |  | سوار نظام            | پیکره‌های انسانی در شخصیت سواره‌نظام در کل فضای صحنه شکار پراکنده شده است. |

## ۵. قلمدان‌های مصور با نقوش چهره‌پردازی

### شماره ۱. قلمدان لاک‌ی با نقش مادر و فرزند

در این قلمدان لاک‌ی نقوش انسانی مادر و فرزند در مدالیون وسط قرار گرفته و در اطراف نقش اصلی بر روی هر دو طرف قلمدان، نقش گل و پرند قرار دارد. (شکل ۱۳)



شکل ۱۳. قلمدان لاک‌ی با نقش مادر و فرزند، (هنرمند:؟)، قاجار، از ۱۳۰۰ ه. ق. (قرن ۱۴ م.) تا نامعلوم، ابعاد: طول (۲۱ سانتیمتر و ۹ میلیمتر) عرض (۳ سانتیمتر و ۶ میلیمتر) ارتفاع (۲ میلیمتر) ضخامت (۲ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۱، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۲. قلمدان لاک‌ی با نقش تزیینی

قلمدان به شکل جعبه کوچک مستطیلی شکل لاک‌ی با در بدون لولا به شکل تابوتی نقش چهره زن و مرد و گل و بوته بر روی آن. (شکل ۱۴)



شکل ۱۴. جعبه کوچک لاک‌ی با نقش تزیینی، (هنرمند:؟)، قاجار، صفر ۱۱۹۳ ه. ق. (قرن ۱۲ م.) - ۱۵ شعبان ۱۳۴۲ ه. ق. (قرن ۱۴ م.)، ابعاد: طول (۷ سانتیمتر و ۲ میلیمتر) عرض (۱ سانتیمتر و ۵ میلیمتر) ضخامت (۱ سانتیمتر و ۱ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۳۰، موزه ملی ملک، تهران.

### شماره ۳. قلمدان لاک‌ی با نقش چهره‌پردازی

قلمدان لاک‌ی دارای نقش فرنگی یا چهره‌پردازی و گل و پرند در داخل مدالیون در حاشیه مدالیون نقوش ختایی طلایی بر زمینه مشکی دارد. (شکل ۱۵)



شکل ۱۵. قلمدان لاک‌ی با نقش چهره‌پردازی، (هنرمند:؟)، قاجار، (قرن ۱۳ م.)، ابعاد: طول (۲۳ سانتیمتر و ۳ میلیمتر) عرض (۳ سانتیمتر و ۷ میلیمتر)، شماره اموال: ۱۳۹۳.۰۵.۰۰۰۰۹، موزه ملی ملک، تهران.

جدول زیر به معرفی شخصیت‌های انسانی مختلف بر روی قلمدان‌های مصور با نقوش چهره‌پردازی بر اساس مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه اشاره دارد. (جدول ۵)

جدول ۵. توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری قلمدان‌ها با نقوش چهره‌پردازی دوره قاجار موزه ملی ملک. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                   | پیکرنگاری                                                                             | آنالیز خطی                                                                          | شخصیت پیکرنگاری | توصیف مفاهیم شناختی پیکرنگاری                                                                                  |
|-----------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های مصور شده با نقوش چهره‌پردازی |    |    | مادر و فرزند    | پیکره در مرکز تصویر در قابی از مدالیون قرار دارد. اطراف این پیکره، طبیعت‌پردازی از آسمان و درختان دیده می‌شود. |
|                                         |    |    | چهره زن         | پیکره در کل فضای مدالیون قرار دارد.                                                                            |
|                                         |   |   | چهره مرد        | پیکره در کل فضای مدالیون قرار دارد.                                                                            |
|                                         |  |  | چهره دختر بچه   | پیکره در کل فضای مدالیون قرار دارد.                                                                            |

شخصیت‌های انسانی به‌کاررفته در این قلمدان‌های لاک‌ی دوره قاجار، نشان‌دهنده فضای اجتماعی این دوره هستند که در این نوشتار به پنج مضمون شامل نقش زندگی روستایی، درویش، مضامین غیرایرانی، بزمی و شکارگاهی و چهره‌پردازی اشاره شد.

### تحلیل انسان‌گرایانه توجه بصری نظریه بوندسن در پیکرنگاری قلمدان لاک‌ی دوره قاجار موزه ملی ملک

یکی از عوامل منشأ یافته از نظریه توجه بصری بوندسن، فناوری ردیابی چشم است که «به‌عنوان ابزاری قابل‌اعتماد برای ارزیابی رفتارهای خواندن و توجه بصری افراد و شناسایی تجربی فرایندهای شناختی زیربنایی پدیدار شده است» (لای و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۹۶) که این شناخت، درک توجه بصری مخاطب هنگام مشاهده اثر هنری را تسهیل می‌کند. در این میان، «برخی از مطالعات بر نقش فرایندهای "پایین‌به‌بالا"<sup>۲</sup> تأکید کرده‌اند که وزن‌دهی اطلاعات در هدایت رفتار جستجوی انسانی به دو صورت از بالا-به‌پایین (TD) و پایین‌به‌بالا (BU) صورت می‌گیرد و پیشنهاد می‌کنند که رفتار نگاه در حین مشاهده تصویر تحت‌تأثیر ویژگی‌های بصری برجسته فیزیکی قرار می‌گیرد» (گراهام و ردیس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰: ۱۵۰۵). با این حال، مطالعات دیگر نقش "فرایندهای بالا-به‌پایین" را نشان

<sup>1</sup> Lai et al.

<sup>2</sup> Bottom-up

<sup>3</sup> Graham and Redies



داده‌اند (دآنجلوس و پلز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ۷۹۵). طبق نظریه توجه بصری، مغز انسان یک مکانیسم بسیار تخصصی برای درک و تشخیص چهره (تسائو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۶۷۲) است که بر اساس تجزیه و تحلیل ویژگی‌های ساختاری ثابت خود (مانند چشم، بینی و دهان) تکامل یافته است؛ بنابراین، صورت و اعضای بدن را می‌توان به عنوان عناصری از شکل انسان در نظر گرفت که فرایندهای شناختی انسان‌گرایانه مختلفی را فعال می‌کند: اولی مربوط به درک حالات عاطفی و نیت از شخصیت انسانی است و دومی، مربوط به معطوف شدن توجه مبتنی بر بخش‌هایی از بدن است.

در این نوشتار، جهت تحلیل انسان‌گرایانه نظریه توجه بصری در پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی دوره قاجار، از یک روش ردیابی چشم برای کشف عناصر پیکرنگاری در صحنه‌های به تصویر کشیده شده در نقاشی‌های رویه قلمدان‌ها استفاده شد. با استفاده از تحلیل توجه بصری مشخص شد که شکل انسان می‌تواند به عنوان یک موقعیت جالب در نقاشی‌های قلمدان‌های انتخاب شده در نظر گرفته شود. شخصیت‌های مختلف مورد مطالعه در پیکره انسانی ترسیم شده بر روی قلمدان‌های انتخابی که در صحنه‌های اجتماعی پیچیده مختلفی چون روستا، طبیعت، صحنه‌های بزمی، رزمی و شکارگاهی، مکتب‌خانه، کلیسا و خانقاه در حال انجام کار و فعالیت هستند است. در این قلمدان‌ها، غالباً توجه بصری بر فعالیت این پیکره‌های انسانی و نوع شخصیت آن‌ها معطوف شده است. درحالی‌که در نقوشی که انسان به صورت چهره به تصویر کشیده شده است، توجه بصری به چهره ترسیم شده متمرکز شده است. این بررسی از سطوح مختلف تعامل فردی-اجتماعی بین عوامل به تصویر کشیده شده در رویدادها، منظره‌پردازی‌ها و شخصیت‌ها بیانگر دو نوع تفکر فردی و اجتماعی توجه بصری به پیکرنگاری در دوره قاجار است. در جدول زیر، تجزیه و تحلیل توجه بصری با استفاده از الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری در هر دسته از سطوح مختلف تعامل فردی-اجتماعی نشان داده شده است. (جدول ۶)

جدول ۶. تحلیل توجه بصری نظریه بوندسن نقوش با استفاده از الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی دوره قاجار موزه ملی ملک. (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                               | الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری                                                          | تحلیل توجه بصری نظریه بوندسن                                                                                                                  |
|-----------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های مصور با نقش زندگی روستایی (منظره‌پردازی) |  | در این تصویر به علت داشتن ابعاد کوچک و مبهم بودن، کمترین توجه بصری به این پیکره معطوف می‌شود و توجه بصری بیشتر بر طبیعت‌پردازی متمرکز می‌شود. |
|                                                     |  | به علت داشتن ابعاد کوچک، کمترین توجه بصری به این پیکره معطوف می‌شود و بیشتر بر طبیعت‌پردازی متمرکز می‌شود.                                    |
|                                                     |  | حالات و عملکرد و کنش پیکره‌ها منجر به توجه بصری در کل فضای مدالیون می‌شود.                                                                    |
| قلمدان لاکی با نقوش دراویش                          |  | توجه بصری در سرتاسر پیکره‌های دراویش منتشر شده است.                                                                                           |

<sup>1</sup> DeAngelus and Pelz

<sup>2</sup> Tsao

| مضامین نقوش<br>قلمدان‌ها                            | الگوهای<br>اسکن رنگی<br>پیکرنگاری                                                    | تحلیل توجه بصری نظریه بوندسن                                                                            |
|-----------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| و بزرگان ادب و<br>عرفان                             |    | توجه بصری در پیکره مرید به درک حالات عاطفی معطوف می‌شود و در پیکره‌های درویش مربوط به عملکرد آن‌ها است. |
|                                                     |    | توجه بصری بر حالت چهره درویش جوان متمرکز شده است.                                                       |
|                                                     |    | توجه بصری بر حالت چهره شیخ که عزلت‌نشین متمرکز شده است.                                                 |
|                                                     |   | توجه بصری بر حالت چهره درویش جوان عزلت‌نشین متمرکز شده است.                                             |
| قلمدان‌های<br>مصور با نقوش<br>و مضامین<br>غیرایرانی |  | توجه بصری بر حالت چهره قدیس که در حال دعا و نیایش است، متمرکز شده است.                                  |
|                                                     |  | توجه بصری به عملکرد و کُش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                                      |
|                                                     |  | توجه بصری به عملکرد و کُش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                                      |
|                                                     |  | توجه بصری به عملکرد و کُش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                                      |

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                         | الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری                                                          | تحلیل توجه بصری نظریه یوندسن                                                               |
|-----------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
|                                               |    | توجه بصری به عملکرد و کُنش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                        |
| قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی |    | توجه بصری بر حالت چهره شاهزاده جوان با پوشش سبک اروپایی که در نگریستن است، متمرکز شده است. |
|                                               |    | توجه بصری بر حالت چهره شاهدخت جوان با پوشش سبک اروپایی که در نگریستن است، متمرکز شده است.  |
|                                               |   | توجه بصری به عملکرد و کُنش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                        |
|                                               |  | توجه بصری به عملکرد و کُنش این پیکره در کل صحنه شکار منتشر شده است.                        |
|                                               |  | توجه بصری به عملکرد و کُنش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                        |
|                                               |  | توجه بصری به عملکرد و کُنش پیکره‌ها در کل فضای تصویر منتشر شده است.                        |
| قلمدان‌های مصور شده با نقوش چهره‌پردازی       |  | توجه بصری بر حالت چهره مادر و فرزند معطوف شده است.                                         |
|                                               |  | توجه بصری بر حالت چهره شاهدخت جوان با پوشش سبک ایرانی که در نگریستن است، متمرکز شده است.   |
|                                               |  | توجه بصری بر حالت چهره شاهزاده جوان با پوشش سبک ایرانی که در نگریستن است، متمرکز شده است.  |
|                                               |  | توجه بصری بر حالت چهره دختر بچه با پوشش سبک اروپایی که در نگریستن است، متمرکز شده است.     |

مطالعات نشان داده است که «ارائه عناوین همراه با آثار هنری ممکن است بر نحوه پردازش آثار هنری بینندگان تأثیر بگذارد» (لیدر<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۸۱)؛ بنابراین، در این تجزیه تحلیل توجه بصری، نقاشی‌ها بدون عنوان نمایش داده شدند تا از تأثیر عناوین بر کاوش، درک و ارزیابی بینندگان نقاشی‌ها جلوگیری شود. جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که هر دو عنصر پیکر انسانی (مانند صورت و سایر قسمت‌های بدن درگیر در اعمال) به عنوان مکان‌های برجسته یا "خیره‌کننده" در صحنه بصری در نظر گرفته می‌شوند. در الگوهای اسکن رنگی نقاشی‌های کُنش فردی مانند چهره‌نگاری‌ها، توجه بصری بیشتر بر روی چهره متمرکز است. در صورتی که در نقاشی‌های که دربردارنده کنش‌های اجتماعی مانند صحنه‌هایی از اعمال انسانی است، توجه بصری به میزان یکسان و مشابه بر روی پیکر انسانی منتشر می‌شود. به این ترتیب، در چهره‌نگاری بر روی قلمدان‌ها، مخاطب نوعی از شبیه‌سازی از احساسات و عواطف چهره را دریافت و ادراک می‌کند. در حالی که در شناخت و تحلیل صحنه‌های کُنش اجتماعی، مخاطب با شبیه‌سازی عملکردها و کنش‌های انسانی مواجه می‌شود. از این روی، مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه نقش مهمی در درک بصری مخاطب از پیکرنگاری این قلمدان‌ها دارد. الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری این قلمدان‌ها بیان می‌کند که شخصیت انسان در صحنه‌های حاوی بازنمایی کُنش‌های فردی در مقایسه با صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی به طور متفاوت است که در جدول زیر دسته‌بندی شده است. (جدول ۷)

جدول ۷. تطابق مضامین پیکرنگاری قلمدان‌های لاک‌ی با نظریه توجه بصری بوندسن (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۳)

| مضامین نقوش قلمدان‌ها                              | تطبیق‌پذیری مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه پیکرنگاری با توجه بصری نظریه بوندسن                                                                           |
|----------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| قلمدان‌های مصور با نقش زندگی روستایی (منظره‌پرداز) | دربدارنده صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی زندگی روستایی که در نتیجه توجه بصری کمتری را شامل می‌شود.                                                     |
| قلمدان لاک‌ی با نقوش دراویش و بزرگان ادب و عرفان   | بیشترین توجه بصری در صحنه‌هایی با بازنمایی کُنش‌های فردی و کمترین توجه بصری صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی جمع دراویش را می‌دهد.                       |
| قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی         | دربدارنده صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی حادثه‌ای تاریخی مسیحیت. با این وجود، ترسیم پیکرها در ابعاد بزرگ منجر به توجه بصری بیشتر بر پیکرنگاری شده است. |
| قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی      | دربدارنده صحنه‌هایی با کُنش‌های اجتماعی روایت بزمی، رزمی و شکارگاهی که در نتیجه توجه بصری کمتری را شامل می‌شود.                                       |
| قلمدان‌های مصور شده با نقوش چهره‌پردازی            | بیشترین توجه بصری در صحنه‌هایی با بازنمایی کُنش‌های فردی تک‌چهره‌ها وجود دارد.                                                                        |

پیکرنگاری در قلمدان‌های مصور با نقش صحنه‌هایی از طبیعت (منظره‌پرداز) شامل شخصیت‌هایی چون کشاورز، گاوچران، پیرمرد حکیم و خانواده روستایی است. در بررسی‌ها مشخص شد که کمترین توجه بصری معطوف به قلمدان‌های مصور با نقش صحنه‌هایی از طبیعت (منظره‌پرداز) است که شخصیت مبهمی از پیکرنگاری در آن‌ها ارائه شده است.

<sup>1</sup> Leder

پیکرنگاری در قلمدان‌های مصور با نقوش دراویش و بزرگان ادب و عرفان شامل شخصیت‌های چون دراویش و پارسایان است. در این تصاویر، توجه بصری بر روی قسمت‌های مختلف پیکر انسانی دراویش و بزرگان عرفانی متمرکز شده است همچنین، پیکر آن‌ها در مرکز مدالیون به گونه‌ای ترسیم شده است که کل سطح آن را پوشانده است.

پیکرنگاری در قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی شامل شخصیت‌های چون شیخ صنعان و دختر ترسا، قدیس مسیحی، سنت پیتر و مریم مقدس و حضرت عیسی است. در این تصاویر، شناخت و تحلیل و کاوش‌های هنری در صحنه‌هایی از داستان‌های مذهبی مسیحیت و قرار گرفتن شخصیت‌های مهم دینی در مرکز تصویر منجر به توجه بصری شده است.

پیکرنگاری در قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی و شکارگاهی شامل شخصیت‌های چون شکارچیان، درباریان، سربازان، فرماندهان و مقامات ایرانی و فرنگی است. در این تصاویر، توجه بصری بر روی حرکت و جنبش در پویایی پیکره‌های انسانی در صحنه‌ها متمرکز شده و این عملکردها و کنش‌های انسانی است که منجر به شناخت مفاهیم انسان‌گرایانه شده است.

پیکرنگاری در قلمدان‌های مصور با نقوش چهره‌پردازی شامل شخصیت‌های چون مادر و فرزند، زن و مرد و دخترپچه است. در این تصاویر، بر خلاف تصاویر قبلی، به شناخت انسان‌گرایانه از درک حالات عاطفی مرتبط است.

بنابراین، تحلیل شخصیت‌پردازی پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی دوره قاجار موزه ملک نشان می‌دهد که می‌توان بر اساس نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن به مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه پیکرنگاری در این تصاویر دست‌یافت. علاوه بر اینکه، الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری نیز بر انطباق‌پذیری مضامین پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی با نظریه تأکید دارند.

## نتیجه‌گیری

در بررسی نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن بر روی تصاویر پیکرنگاری قلمدان‌های لاکی دوره قاجار موجود در موزه ملی ملک، مفاهیم شناختی انسان‌گرایانه در دو سطح کنش فردی و اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجایی که طبق نظریه توجه بصری (TVA) بوندسن، پیکرنگاری در نقاشی منجر به تأثیرگذاری در جذب رفتار مخاطب می‌شود، در این مطالعه از روش ردیابی میزان توجه بصری بر اساس الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری برای بررسی و تحلیل این موضوع استفاده شد که کدام دسته از شخصیت‌های انسانی در صحنه‌های حاوی بازنمایی کنش‌های فردی در مقایسه با صحنه‌هایی با کنش‌های اجتماعی، منجر به جهت‌دهی بیشتر کاوش بصری در پیکرنگاری این قلمدان‌ها می‌شود.

در این راستا، شخصیت پیکره‌های انسانی نقش بسته بر قلمدان‌ها در چندین زمینه مطالعه و معرفی شد و قلمدان‌های لاکی موزه ملی ملک دوره قاجار به پنج دسته موضوعی قلمدان‌های مصور با نقش صحنه‌هایی از طبیعت (منظره‌پرداز)، قلمدان‌های مصور به نقش بزرگان ادب و عرفان، قلمدان‌های مصور با نقوش و مضامین غیرایرانی، قلمدان‌های مصور با نقوش بزمی، رزمی و شکارگاهی و قلمدان‌های مصور با نقوش چهره‌پردازی تقسیم شدند.

در معرفی شخصیت پیکرنگاری ترسیم شده بر رویه این پنج دسته قلمدان‌ها، شخصیت‌هایی چون کشاورز، گاوچران، پیرمرد حکیم، دراویش، قدیسین، حضرت عیسی و مریم، شکارچیان، مقامات ایرانی و فرنگی، سربازان و مادر و فرزند، دخترپچه و زن و مرد معرفی شدند و مفاهیم شناختی پیکرنگاری در هر تصویر توصیف شد. در نهایت، با آنالیز رنگی توسط الگوهای اسکن رنگی پیکرنگاری هر کدام از این شخصیت‌ها، گستردگی توجه بصری پیکرنگاری در این تصاویر بر اساس تحلیل توجه بصری نظریه بوندسن مشخص و تحلیل شد.

نتایج این مطالعه بر اساس اسکن الگوهای رنگی پیکرنگاری قلمدان‌های دوره قاجار نشان می‌دهد که توجه بصری در صحنه‌های اجتماعی پیچیده‌ای؛ چون صحنه نبرد بر فعالیت پیکره‌های انسانی و نوع شخصیت آن‌ها متمرکز می‌شود. درحالی‌که در چهره‌نگاری، توجه بصری به چهره ترسیم شده معطوف می‌شود. همچنین، الگوهای زیبایی‌شناسی در این دوره به سبک‌های نقاشی غربی نزدیک شد و تمایل هنرمندان به پیروی از اصول واقع‌گرایی در تصویرسازی این قلمدان‌ها مشهود است؛ بنابراین، پیکره‌های انسانی مصور شده بر روی قلمدان‌های لاکی نه تنها نمایانگر ویژگی اصول اولیه بصری است، بلکه نشان‌دهنده عوامل شناختی پیچیده انسان‌گرایانه در فضای اجتماعی-فرهنگی در دوره قاجار است و علاوه بر معرفی ارزش‌های هنری، معرف خوبی برای ساختارهای فرهنگی مردم این دوره است. به این ترتیب، نتایج الگوهای متفاوتی از مضامین و شخصیت‌های پیکره انسانی مرتبط با سطح تعامل اجتماعی عوامل تصویر شده در صحنه و یا به صورت فردی را بر پایه تحلیل نظریه توجه بصری بوندسن نشان می‌دهد.

## منابع

- آدینه وند، مسعود؛ عادل فر، باقر علی، امرایی، شمس‌الدین و بازوند، ستار. (۱۳۹۵). تحلیل پدیده شکار سلطنتی در عصر قاجار، گنجینه اسناد، ۴۲-۴۳، (۴)۲۶.
- اخوان بزاز، مریم. (۱۳۹۵). بررسی مضمون دیگری در قلمدان‌های دوره قاجار با روش سر/اسطوره، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده معماری و هنر، تهران.
- ابراهیمی ناغانی، حسین. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی شکل انسان در نگارگری مکتب هرات و نقاشی قاجار، جلوه هنر، ۱(۱)، ۱۳-۲۸.
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۹). جلدها و قلمدان‌های ایرانی، تهران: امیرکبیر.
- احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۲). جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری: هنرمندان ایرانی در سه قرن اخیر، تهران: امیرکبیر.
- رسولی، آتوسا. (۱۳۸۷). بررسی چهره (رخ) در تک‌نگاره‌های دوران صفوی تا اوایل قاجار (۹۹۶ هجری قمری تا ۱۲۵۰ هجری قمری)، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه الزهرا، دانشکده هنر، تهران.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۹). قلمدان و سایر صنایع روغنی ایران، تهران: ساتراپ.
- خاتون محمودی، سکینه و بهارلو، علیرضا. (۱۴۰۱). تأثیر عکاسی بر تحولات بصری آثار لاکی در دوره قاجار (با تأکید بر قلمدان نگاری و چهره پردازی)، نگره، ۱۷(۶۳)، ۱۲۵-۱۴۱.
- خلیلی، ناصر. (۱۳۸۶). کارهای لاکی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، تهران: کارنگ.
- علاتوکی روزبهانی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی تصویرسازی به روش زیرلاکی در اصفهان دوران قاجار، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
- محمودی، فتنه. (۱۳۹۷). تصویرگری آثار نقاشی لاکی (پایه ماشه) در دوره قاجار با رویکرد آیکونوگرافی، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۳(۸)، ۱۵۹-۱۷۷.
- یاوری، حسین و ابتهاج همدانی، هلیا. (۱۳۹۰). سیری در قلمدان‌های لاکی روغنی ایران، تهران: انتشارات سیمای دانش.
- Adinevand, M.; Adel Far, B. A., Amrai, Sh. and Bazund, S. (2015). Analyzing the phenomenon of royal hunting in the Qajar era, *Ganjaneh Sanad*, 26(4), 42-63. (in Persian)
- Akhwan Bazaz, M. (2015). *Examining another theme in Qajar period notebooks using the method of myth*, master's thesis, Al-Zahra University (S), Faculty of Architecture and Art, Tehran. (in Persian)
- Alatokoli Rozbahani, F. (2012). *Studying the painting by lacquer method in Isfahan during the Qajar era*, master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Art and Architecture. (in Persian)
- Baer, E. (2004). *The human figure in Islamic art: Inheritances and Islamic transformations* (No. 11). Mazda Pub.



- Bundesen, C. (1990). A theory of visual attention. *Psychological review*, 97(4), 523.
- Bundesen, C. (1977). Concept of visual sensation. *Perceptual and Motor Skills*, 44(3), 1191-1205.
- Bundesen, C., & Shibuya, H. (Eds.). (1995). *Visual selective attention* (Vol. 2). Taylor & Francis.
- Bundesen, C., Vangkilde, S., & Petersen, A. (2015). Recent developments in a computational theory of visual attention (TVA). *Vision research*, 116, 210-218.
- Crouzet, S. M., Kirchner, H., and Thorpe, S. J. (2010). Fast saccades toward face: face detection in just 100 ms. *J. Vis.* 10.
- DeAngelus, M., and Pelz, J. (2009). Top-down control of eye-movements: yabus revisited. *Vis. Cogn.* 17, 790–811.
- Downing, P. E., Jiang, Y., Shuman, M., and Kanwisher, N. (2001). A cortical area selective for visual processing of the human body. *Science* 293, 2470–2473.
- Ebrahimi Naghani, H. (2009). A comparative study of the human figure in Herat school painting and Qajar painting, *Jahlo Hanar*, 1(1), 13-28. (in Persian)
- Ehsani, M. T. (1990). *Iranian volumes and journals*, Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Ehsani, M. T. (2003). *Iranian covers and pencils and painting: Iranian artists in the last three centuries*, Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Fattah, H. M. (2022). First Release of a Pen-Box from the Iranian Era in Matrouh Archaeological Museum (an Archaeological Cultural Study). *Journal of Tourism, Hotels and Heritage*, 5(1), 336-366.
- Graham, D. J., & Redies, C. (2010). Statistical regularities in art: Relations with visual coding and perception. *Vision research*, 50(16), 1503-1509.
- Karimzadeh Tabrizi, M. A. (2000). *Qalmandan and other oil industries of Iran*, Tehran: Satrap. (in Persian)
- Khalili, N. (2007). *Laki's works, translated by Sudaba Rafiei Sakhai*, Tehran: Karang. (in Persian)
- Khatun Mahmoudi, S. and Baharlu, A. R. (2022). The influence of photography on the visual evolution of Laki's works in the Qajar period (with an emphasis on calligraphy and face painting), *Negreh*, 17(63), 125-141. (in Persian)
- Lai, M. L., Tsai, M. J., Yang, F. Y., Hsu, C. Y., Liu, T. C., Lee, S. W. Y., & Tsai, C. C. (2013). A review of using eye-tracking technology in exploring learning from 2000 to 2012. *Educational research review*, 10, 90-115.
- Langton, S. R. H., and Bruce, V. (2000). You must see the point: automatic processing of cues to the direction of social attention. *J. Exp. Psychol. Hum. Percept. Perform.* 26, 747–757.
- Leder, H., Carbon, C. C., & Ripsas, A. L. (2006). Entitling art: Influence of title information on understanding and appreciation of paintings. *Acta psychologica*, 121(2), 176-198.
- Mahmoudi, F. (2017). Illustration of Lacquered Paintings (Papier Mache) in the Qajar Period with an Iconographic Approach, *Parse Archaeological Studies*, 3(8), pp. 159-177. (in Persian)
- Omnie, M.; Abdul Ghani, H. M. & Abdul Aal, A. M. (2022). Conservation and analysis of a Qajar lacquered painting from the Faculty of Applied Arts Museum of Helwan University, Egypt. *Journal of Arts and Human Sciences*. 9(5), 213-222.
- Quiroga, R. Q., and Pedreira, C. (2011). How do we see art: an eye-tracker study? *Front. Hum. Neurosci.* 5:98.
- Rasouli, A. (2008). *Examination of the face (Rukh) in monographs from the Safavid era to the early Qajar period (996 AH to 1250 AH)*, Master's thesis, Ministry of Science, Research and Technology, Al-Zahra University, Faculty of Arts. (in Persian)
- Ro, T., Friggel, A., and Lavie, N. (2007). Attentional biases for faces and body parts. *Vis. Cogn.* 15, 322–348.
- Savazzi, F., Massaro, D., Di Dio, C., Gallese, V., Gilli, G., and Marchetti, A. (2014). *Exploring responses to art in adolescence: a behavioral and eye-tracking study*.
- Tsao, D. Y., Freiwald, W. A., Tootell, R. B., & Livingstone, M. S. (2006). A cortical region consisting entirely of face-selective cells. *Science*, 311(5761), 670-674.
- Tessari, A., Ottoboni, G., Mazzatenta, A., Merla, A., & Nicoletti, R. (2012). Please don't! The automatic extrapolation of dangerous intentions. *PLoS One*, 7(11), e49011.
- Villani, D., Morganti, F., Cipresso, P., Ruggi, S., Riva, G., & Gilli, G. (2015). Visual exploration patterns of human figures in action: an eye tracker study with art paintings. *Frontiers in Psychology*, 6, 1636.
- Yavari, H. and Ebtahaj Hamdani, H. (2011). *Siri in Iranian oil lacquered pencils*, Tehran: Simai Danesh Publications. (in Persian)

